

## احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق؛ نقش پیش‌بینی‌کننده مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی

محمد مهدی صفورایی پاریزی<sup>۱</sup>

لیلا نوری احمدآبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی در پیش‌بینی احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری، شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق در شهر قم و مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در سال ۱۴۰۱ بود که از بین آنها با روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۵۰ نفر انتخاب و پرسش‌نامه‌های مقیاس احساس تنهایی (راسل و همکاران، ۱۹۸۰)، اضطراب، افسردگی و استرس (لویندا، ۱۹۹۵) و مرزهای درونی زوجینی (هوشیاری، ۱۴۰۰) توسط آنان تکمیل گردید. داده‌های به‌دست‌آمده، با روش آماری همبستگی و رگرسیون چندگانه، با کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد مرزهای زوجینی، به طور منفی و آشفتگی روان‌شناختی، به طور مثبت، با احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق، رابطه معنادار داشته و در پیش‌بینی آن، نقش معناداری دارند. از همین رو، مشاوران و درمانگران مراکز مشاوره خانواده، با بهره‌گیری از این نتایج می‌توانند به تشریح اهمیت و نقش مرزهای زوجینی و همچنین آسیب‌های آشفتگی روان‌شناختی در ایجاد احساس تنهایی، در راستای کاهش مشکلات ارتباطی و عاطفی زوجین متقاضی طلاق بپردازند.

**واژگان کلیدی:** مرزهای زوجینی، آشفتگی روان‌شناختی، احساس تنهایی، زوجین متقاضی طلاق.

۱. دانشیار روان‌شناسی تربیتی گروه روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ safurayi@gmail.com.

۲. کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران؛ norilila13@gmail.com.  
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

## مقدمه

بر اثر تحولات جامعه و همگام با دگرگونی‌های مختلفی که در میزان انتظارات، فرهنگ‌ها، نوع و سطح زندگی افراد به وجود آمده است، گرایش به طلاق نیز در جامعه گسترش یافته و به یک روند و معضل مهم اجتماعی تبدیل شده است (Qamar & Faizan, 2021, p.355). طلاق به عنوان فرایندی تلقی می‌شود که ماهیت تحولی دارد و در لغت به معنای جدا شدن زن و شوهر از یکدیگر و رهایی آنها از تقیدات زندگی زناشویی است (Sbarra & Whisman, 2022, p.76). بر طبق آمارهای رسمی و غیررسمی، از هر پنج ازدواجی که صورت می‌گیرد، یک مورد آن به طلاق می‌انجامد و بر همین اساس، در کشور ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان، روزه‌روز بر میزان طلاق افزوده می‌شود. (حقیقیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۶)

این معضل، زمانی عمیق‌تر می‌گردد که مردان و زنان مطلقه در پی رفع نیازهای عاطفی و جنسی خود، به اقدامات نامتعارف و ناپخته‌ای روی می‌آورند. غالباً پیامدهای طلاق زنان نیز در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مشاهده شده است (Karney & et al, 2022, P. 1198). در این راستا، برخی زنان و مردان که متقاضی طلاق بوده و در پیگیری طلاق، خود را مقصر می‌دانند، قطعاً در آینده با عذاب وجدان روبه‌رو می‌شوند و آسیب‌های جدی را تجربه می‌کنند که تبعات منفی زیانباری را برای ایشان به همراه می‌آورد. ترس، تنهایی، افسردگی، سرخوردگی، انزوا، کاهش رضایت از زندگی، خودکشی، پذیرش نقش‌های چندگانه و تعدد نقش‌ها، به دوش کشیدن مشکلات تربیتی کودکان، دلتنگی، احساس عدم سلامتی، اختلال حواس، مشکلات جنسی، پناه بردن به الکل، مواد مخدر و سیگار و نگرانی بیش از حد از ازدواج بعدی (تا آنجا که ممکن است آنها را نسبت به ازدواج مجدد دلسرد کند)، از عوارض فردی طلاق برای زنان است. علاوه بر این، مطالعات مختلف نشان داده‌اند که زنان متقاضی طلاق، به دلیل نارسایی در پردازش شناختی درست، از لحاظ هیجانی نیز با مشکل مواجه می‌شوند و به راحتی نمی‌توانند ارزیابی هیجانی داشته و نسبت به موقعیت‌های مختلف هیجانی، واکنش

هیجانی متناسبی ارائه نمایند (رحیم نوه سی، ۱۳۹۵، ص ۷). همچنین سینگ و کیران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) نیز طبق مطالعات خود عنوان کردند که زنان مطلقه، احساس تنهایی بیشتری نسبت به سایر زنان دارند و از احساس تنهایی هیجانی رنج می‌برند. (Singh & Kiran, 2013, p.11) در همین راستا، بر اساس نظر پژوهشگران، اشخاصی که در طول زندگی خود به اندازه کافی مورد محبت و پذیرش قرار نگرفته‌اند، از تنهایی، افسردگی و درک نشدن توسط دیگران شکایت دارند. این افراد در روابط عاطفی و کاری خود، جذب افراد بی‌عاطفه و سرد می‌شوند و یا انتظار عاطفی زیادی از دیگران دارند. بعضی از این افراد نیز به روابط صمیمی با دیگران تمایلی ندارند؛ زیرا فکر می‌کنند دیگران توجهی به آنها نمی‌کنند (Peplau, 2022, p.94). برخی از نظریه‌پردازان و پژوهشگران، قرار گرفتن در چنین حالتی را با عنوان احساس تنهایی، نام‌گذاری کرده‌اند که به معنای نداشتن همراهی و صمیمیت هیجانی کافی با اطرافیان است و خاستگاه اصلی این نوع از تنهایی، به دوران کودکی برمی‌گردد (Loh & et al, 2021, p.540). در واقع، وقتی والدین به دلیل مشکلات شخصی، از نیازهای کودک خویش غافل می‌شوند، کودک احساس می‌کند که دیده نشده و مورد توجه نیست، که در این حالت، تنهایی هیجانی به وی دست می‌دهد (Labrague & et al, 2021). به بیان دیگر، بزرگ شدن در خانواده‌ای که والدین از نظر هیجانی در شرایط نامناسبی هستند، تجربه احساس تنهایی را در پی خواهد داشت و در ادامه، شخص این احساس را با خود به زندگی زناشویی نیز خواهد برد. این مسئله، تجربه‌ای مبهم و کاملاً شخصی است که نمی‌توان آن را به راحتی توصیف کرد. (van Tilburg, 2021, p.337) علاوه بر احساس تنهایی، مطالعات نشان داده‌اند تجربه مکرر تعارض‌های زناشویی که به طلاق منجر می‌شود، موجب افزایش پریشانی و آشفتگی روان‌شناختی می‌گردد (Domènech-Abella & et al, 2017, p.384) که بیشتر با افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مشخص می‌شود (حافظی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۹). همچنین نتایج مطالعات مختلف نیز حاکی از آن بود که بین احساس تنهایی با آشفتگی‌های روان‌شناختی، رابطه معناداری وجود دارد.<sup>۲</sup>

1. Singh & Kiran

2. (Palgi & et al, 2020, p.109; Erzen & Çikrikci, 2018, p.430; Domènech-Abella & et al, 2017, p.384; Eb-  
esutani & et al, 2015, p.227; Zawadzki & et al, 2013, p. 212)

آشفته‌گی روانی، اصطلاحی است برای توصیف دوره‌ای حاد و کوتاه‌مدت از یک آشفته‌گی خاص، که ابتدا با مشخصه‌های افسردگی، اضطراب یا استرس تظاهر می‌کند. این وضعیت، در مواردی خاص، پس از اینکه یک فرد به دلیل مشکلات رخ داده، از فعالیت‌های روزمره ناتوان می‌گردد نیز گاه با تک‌واژه «فروپاشی» توصیف می‌شود (Hallowell & Ratey, 2005). در همین راستا، قاسمی و همکاران، آسیب‌های روابط زوجین را که منجر به متلاشی شدن زندگی زناشویی می‌شود، در قالب طبقاتی توصیف نموده‌اند که مهم‌ترین آن، عدم مرزبندی درست از روابط زناشویی و روابط خارج از زندگی زناشویی با خانواده‌های یکدیگر است (۱۳۹۵، ص ۲۵۵). همچنین نتایج مطالعات محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۵) نیز حاکی از نقش روابط خانوادگی و مرزهای زناشویی در احساس تنهایی زوجین بود.

در این خصوص، بر مبنای نظریه سیستمی مینوچین، روابط و تعامل‌های تکراری، الگوهایی به وجود می‌آورند مبنی بر اینکه در خانواده، چگونه، چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار شود و همین الگوها، زیربنای سیستم را تشکیل می‌دهد (Minuchin, 2002, p. 261). با این دید، خانواده موجودی است که اجزای آن با هم تغییر می‌کند و در صورت انحراف، برای حفظ تعادل خود، فعال می‌شود. ساخت خانواده، مانند هر سیستم دیگر، به نوع روابط اعضای آن مربوط می‌شود. اگر فرد از مرزهای غیرمجاز عبور کند، اعضای خانواده، مکانیزم‌هایی را برای تنظیم و مهار در پیش خواهند گرفت و فرد، گاه تسلیم می‌شود و در مواقعی به چالش با اعضای خانواده برمی‌خیزد. مرز خانوادگی نیز حد یا حائل مفروضی است که در خدمت حفظ، پیشبرد، تمایز و یکپارچگی خانواده به عنوان یک کل، زیرمنظومه‌های خانواده و تک‌تک اعضای خانواده است. (Ugazio & Fellin, 2016, p.130)

در همین زمینه، تعلیم اسلام درباره چگونگی روابط اعضای خانواده با یکدیگر و افراد بیرون خانواده، حدود و مرزهایی را معین کرده است. مرزهای زوجین، به اموری مانند روابط کلامی و غیرکلامی میان افراد و موضوعات عاطفی و هیجانی مربوط هستند. حدود نیز به اموری مانند مرزهای درون خانواده، مرزهای لازم برای کل خانواده و خارج آن، از جمله روابط

جنسی و روابط زن و مرد نامحرم مربوط می‌شود (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۳). این مرزها و حدود، هرچه بیشتر رعایت شود، کارآیی اعضای خانواده و روابط آنها بهتر می‌شود و خانواده، زمینه رشد و تعالی آنها را فراهم خواهد نمود. تعالیم اسلام، وجود حدود و مرزهایی را بین زیرمنظومه‌ها و حتی افراد درون خانواده، ضروری می‌داند. لزوم این فضای روانی برای حل مشکلات شخصی زن و شوهر و حصول حمایت عاطفی آنها از یکدیگر و برون‌ریزی عاطفی، امری ضروری است که همه اعضای خانواده از کوچک و بزرگ باید آن را به رسمیت شناخته و در رفتار به آن پایبند باشند. (سراقی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸، ص ۷۳)

بر این مبنا، از منظر رویکرد قرآنی، اعضای خانواده بر اساس کیفیت ارتباط خود، از یکدیگر انتظاراتی دارند و تعاملات آنان با تمام افراد در خانواده، تابع قواعد و مقررات خاصی است. همچنین بر اساس نقش‌ها و انتظاراتی که از آنان می‌رود، عضو یک یا چند زیرمنظومه می‌شوند. در نهایت، مجموعه تکالیف، انتظارات و مقررات برآمده از ارزش‌های دینی حاکم بر تعاملات انواع خانواده‌ها، اعضا و زیرمنظومه‌های آنها، ساختار خانواده از نگاه قرآن را تشکیل می‌دهد (سالاری فر، ۱۳۸۸، ص ۳۹). لذا به‌طورکلی، بر اساس محتوای آیات الهی، آن بخش از آموزه‌های اسلامی را می‌توان مرزهای خانواده دانست که با هدف نظام‌مندی شناخت‌ها، هیجان‌ها و رفتارهای انسان در حیطه خانواده، اعضا و زیرمنظومه‌های آن و برقراری روابط مطلوب و کمال‌زای درونی و بیرونی خانواده بیان شده و دارای کارکرد مرزی است؛ از جمله: وجود مرزهای فیزیکی و روانی بین والدین و فرزندان، بین زن و شوهر، عدم ورود والدین در زیرمنظومه فرزندان ازدواج‌کرده و کسب اجازه برای ورود به حریم فیزیکی و روانی یکدیگر. در نهایت، می‌توان گفت مراد از مرزهای قرآنی خانواده، تمام آموزه‌های اعتقادی، رفتاری و اخلاقی الزامی و غیرالزامی است که در قرآن، با هدف تعیین گستره، کمیت و کیفیت تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر و با بیرون از خود بیان شده است. (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹) به‌طورکلی، بر اساس آنچه مطرح گردید می‌توان گفت زوجین متقاضی طلاق، به دلیل از بین رفتن روابط عاطفی و هیجانی و عدم رعایت مرزهای زوجینی، دچار تعارض شده و آشفتگی‌های روان‌شناختی مختلفی نظیر اضطراب، استرس و افسردگی را تجربه می‌کنند که در درازمدت،

موجب احساس تنهایی وی می‌گردد. از این رو، هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی در پیش‌بینی احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق است.

## ۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر روش توصیفی، از نوع همبستگی است و جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق شهر قم مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در سال ۱۴۰۱ بود. با توجه به محدودیت‌های جامعه آماری، برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و نظر به اینکه در مطالعات توصیفی می‌توان با حداقل ۱۰۰ نمونه نیز پژوهش را انجام داد (دلاور، ۱۳۹۱، ص ۸۶)، در پژوهش حاضر، برای افزایش تعمیم‌پذیری و در نظر گرفتن افت آزمودنی‌ها، حداقل تعداد ۱۵۰ نفر انتخاب و به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفت. برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه‌های ذیل استفاده شد:

**الف) پرسش‌نامه سنجش مرزهای درونی زوجینی:** این پرسش‌نامه، برای اولین بار توسط هوشیاری در سال ۱۴۰۰ بر اساس مبانی نظری اسلامی - روان‌شناختی ساخته شده و دارای ۶۶ گویه است. این مرزها، مربوط به قوانین قرآنی ناظر به تعاملات زوجین است که یا قطعی و الزام‌آور بوده و قابل توافق و تغییر توسط زوجین نیستند و یا انعطاف‌پذیرند و زوجین می‌توانند در مورد کمیت و کیفیت عملیاتی‌سازی آنها توافق نمایند. سؤال‌های مذکور، نگرش و کنش زوجین نسبت به یکدیگر را می‌سنجد. نمره بالا در این پرسش‌ها، نشان‌دهنده مطابقت تعاملات آنان با معیارهای دینی، نگرش مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و پایبندی آنان به قوانین اخلاقی و حقوقی زیرمنظومه زوجینی است و از بهنجار بودن مرزهای زوجینی حکایت می‌کند. شیوه نمره‌گذاری گویه‌های این پرسش‌نامه، به دو صورت لیکرت چهاردرجه‌ای است؛ بدین صورت که: به «اصلاً - بسیار کم» نمره ۱؛ «کم» نمره ۲؛ «زیاد» نمره ۳ و «بسیار زیاد - همیشه» نمره ۴ و همچنین به «کاملاً مخالفم» نمره ۱؛ «مخالفم» نمره ۲؛ «موافقم» نمره ۳ و «کاملاً موافقم» نمره ۴ اختصاص می‌یابد. بنابراین حداکثر نمره آزمودنی در این پرسش‌نامه، ۲۶۴ و کمترین نمره، ۶۶ است. هوشیاری (۱۴۰۰) بعد از بررسی

روایی محتوای مرزها و روایی صوری پرسش‌نامه، به منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه، آن را در نمونه‌ای ۱۰۰ نفری اجرا کردند که پایایی کل پرسش‌نامه و مرزهای مرتبه اول، با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین برای بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها، پرسش‌نامه ۶۶ گویه‌ای را بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا کرد. بدین منظور، ۶۰ پرسش‌نامه در میان نمونه آماری توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، به دلیل عدم برگشت برخی از آنها و حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، ۵۰۸ پرسش‌نامه باقی ماند که داده‌های جمع‌آوری‌شده، برای تحلیل عاملی و مقایسه دو گروه آزمودنی آماده شد. (هوشیاری، ۱۴۰۰، ص ۷۹).

**ب) پرسش‌نامه اضطراب، افسردگی و استرس (DASS):** برای بررسی آشفتگی روان‌شناختی، از مقیاس DASS استفاده می‌شود. این پرسش‌نامه، فرم کوتاه‌شده پرسش‌نامه ۴۲ سوالی و شامل ۲۱ عبارت مرتبط با عواطف منفی است که توسط لویندا<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۵ ساخته شده است. نمره‌گذاری این مقیاس، به صورت لیکرتی بوده (هرگز = ۰؛ کم = ۱؛ زیاد = ۲ و خیلی زیاد = ۳) و نمرات بالاتر، نشان‌دهنده وجود مشکلات بیشتر است. مطالعات زیادی برای سنجش ویژگی‌های روان‌شناختی این پرسش‌نامه انجام شده است. در پژوهش براون و همکاران، که بر روی نمونه بالینی ۴۳۷ نفری انجام شده است، اعتبار سه زیرمقیاس افسردگی، اضطراب و استرس، به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۹ و ۰/۸۲ گزارش شده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس، در یک نمونه هنجاری ۷۱۷ نفری، برای افسردگی ۰/۸۱، اضطراب ۰/۷۳ و استرس ۰/۸۱ به دست آمده است. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵، ص ۸۹).

**ج) مقیاس احساس تنهایی:**<sup>۲</sup> پرسش‌نامه احساس تنهایی، توسط راسل، پیلوا و کورتونا<sup>۳</sup>، در سال ۱۹۸۰ ساخته شد. این مقیاس، شامل ۲۰ سوال و به صورت ۴ گزینه‌ای، ۱۰ جمله منفی و ۱۰ جمله مثبت است و یک نمره کلی درباره احساس تنهایی به دست می‌دهد. در این پرسش‌نامه، «هرگز» امتیاز (۱)، «به ندرت» امتیاز (۲)، «گاهی» امتیاز (۳) و «همیشه» امتیاز (۴) دارد، ولی

1. Lewinda
2. lonlyness Inventory
3. Russell, Peplau & Cutrona



امتیاز سوالات ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۰ برعکس است؛ یعنی «هرگز» (۴)، «به ندرت» (۳)، «گاهی» (۲) و «همیشه» امتیاز (۱) را دارد. دامنه نمره‌ها بین ۲۰ (حداقل) و ۸۰ (حداکثر) و میانگین نمره، ۵۰ است. نمره بالاتر از میانگین، بیانگر شدت بیشتر تنهایی است. پايایی این آزمون، در نسخه جدید تجدیدنظرشده، ۷۸ درصد و پایایی آن، به روش بازآزمایی، توسط راسل، پیلا و فرگوسن<sup>۱</sup> (۱۹۷۸)، ۸۹ درصد گزارش شده است. این مقیاس، توسط شکرکن و میردريکوند، ترجمه و پس از اجرای مقدماتی و اصلاحات، به کار گرفته شد. (نادری و حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷) بعد از تکمیل پرسش نامه‌ها، اطلاعات به دست آمده، با روش آماری ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه با کمک نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

## ۲. یافته‌ها

طبق اطلاعات به دست آمده، میانگین سنی شرکت کنندگان، ۳۱/۶۲ سال بود. از نظر سطح تحصیلات نیز ۱۴ درصد شرکت کنندگان دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم (سواد خواندن و نوشتن)، ۴۴/۷ درصد دیپلم، ۱۶/۷ درصد کارشناسی و ۲۴/۷ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

جدول ۱: میانگین (M)، انحراف معیار (SD) و نتایج آزمون نرمالیت  
کالموگروف - اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

| متغیرها              | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف استاندارد | Z <sup>۲</sup> | معناداری |
|----------------------|-------|--------|---------|------------------|----------------|----------|
| آشفته‌گی روان‌شناختی | ۱۹    | ۱۰۵    | ۵۸/۶۵   | ۲۰/۱۶            | ۲/۰۱           | ۰/۱۶۱    |
| مرزهای درونی زوجین   | ۷۶    | ۲۳۳    | ۱۵۱/۳۷  | ۴۴/۹۱            | ۰/۸۵۴          | ۰/۶۰۲    |
| احساس تنهایی         | ۲۱    | ۹۰     | ۵۱/۱۴   | ۱۹/۶۲            | ۱/۴۳۶          | ۰/۲۲۸    |

1. Russell, Peplau & Ferguson

۲. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (Kolmogorov-Smirnov Z) نرمال نبودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد. اگر این تست رد شود، داده‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشند و امکان استفاده از آزمون‌های آماری پارمتریک برای تحقیق، وجود دارد و بالعکس، اگر تست تأیید شود، یعنی داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند.



طبق نتایج جدول ۱، نتایج آزمون نرمالیته کالموگروف - اسمیرنوف برای هیچ‌کدام از متغیرهای مورد بررسی، معنادار نبود ( $P > 0/05$ ). لذا می‌توان گفت داده‌ها، نرمال بودند و استفاده از آمارهای پارامتریک همچون تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون بلامانع است. همچنین برای انجام تحلیل رگرسیون، پیش‌فرض‌های این آزمون نیز بررسی شد. دراین‌زمینه، نرمال بودن باقیمانده داده‌ها، با استفاده از نمودار هیستوگرام بررسی شد که نتیجه، نشان‌دهنده رعایت این پیش‌فرض بود. همچنین دو پیش‌فرض خطی بودن روابط و یکسانی پراکنش باقی‌مانده‌ها با نمودار پراکنش نمرات پیش‌بینی‌شده و نمرات باقی‌مانده بررسی شد که نبود یک روند مشخص در پراکنش نقاط در صفحه، نشان‌دهنده رعایت این پیش‌فرض است. برای بررسی استقلال باقی‌مانده‌ها، از آماره دوربین - واتسون<sup>۱</sup> استفاده شد که مقدار آن برابر با  $2/024$  بود و این نتیجه نشان داد که پیش‌فرض استقلال باقی‌مانده‌ها رعایت شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون برای مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی با احساس تنهایی

| نمرات کل متغیرها      | احساس تنهایی | مرزهای زوجینی | آشفتگی روان‌شناختی |
|-----------------------|--------------|---------------|--------------------|
| ۱. احساس تنهایی       | ۱            |               |                    |
| ۲. مرزهای زوجینی      | $-0/71^{**}$ | ۱             |                    |
| ۳. آشفتگی روان‌شناختی | $0/66^{**}$  | $-0/16^*$     | ۱                  |

\*\* معنی‌داری در سطح  $0/01$  \* معنی‌داری در سطح  $0/05$

بر اساس نتایج جدول ۲، ماتریس همبستگی مرزهای زوجینی ( $r = -0/71$ )، با احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق، رابطه منفی و مؤلفه‌های اضطراب ( $r = 0/58$ )، افسردگی ( $r = 0/62$ )، استرس ( $r = 0/64$ ) و کل آشفتگی روانی ( $r = 0/66$ ) با احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق، رابطه مثبت و معناداری در سطح  $0/01$  داشتند.

1. Durbin-Watson Test

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون برای پیش‌بینی احساس تنهایی  
بر اساس مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی

| آماره |       |       |       |       |        |        |
|-------|-------|-------|-------|-------|--------|--------|
| مدل   | R     | RS    | ARS   | SE    | F      | Sig    |
| ۱     | ۰/۷۱۱ | ۰/۵۰۵ | ۰/۴۹۸ | ۱۳/۹۳ | ۷۵/۰۱۴ | ۰/۰۰۰۱ |

خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق با مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی در جدول ۳ نشان می‌دهد مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی به طور هم‌زمان ۵۰٪ از تغییرات «احساس تنهایی» زوجین متقاضی طلاق را تبیین می‌کنند.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون احساس تنهایی  
بر اساس مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی

| آماره              |       |       |         |         |        |
|--------------------|-------|-------|---------|---------|--------|
| متغیر پیش‌بین      | B     | SE    | $\beta$ | T       | P      |
| مرزهای زوجینی      | -۰/۳۱ | ۰/۰۲۶ | -۰/۷۱   | -۱۲/۲۰۶ | ۰/۰۰۰۱ |
| آشفتگی روان‌شناختی | ۰/۲۴  | ۰/۰۸۱ | ۰/۱۷    | ۲/۹۹    | ۰/۰۰۳  |

در جدول ۴ چنان‌که مشاهده می‌شود، زمانی که تمامی متغیرهای پیش‌بین وارد مدل می‌شوند، مرزهای زوجینی ( $\beta = -۰/۷۱$ ،  $p = ۰/۰۰۰۱$ ) به طور منفی و آشفتگی روان‌شناختی ( $\beta = ۰/۱۷$ ،  $p = ۰/۰۰۳$ ) اثر پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری بر احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق دارد.

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی در

پیش‌بینی احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق بود. بر همین اساس، یافته اول نشان داد مرزهای زوجینی با احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق، رابطه منفی داشتند. بدین ترتیب، زمانی که نمرات مرزهای زوجینی کمتر باشد، احساس تنهایی آنان بیشتر می‌شود و بالعکس، چنانچه نمرات مرزهای زوجینی بیشتر باشد، زوجین احساس تنهایی کمتری را خواهند داشت. این نتایج، با یافته‌های مطالعات محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۵) که نشان داده بودند روابط خانوادگی و زناشویی، بر احساس تنهایی زوجین تأثیر دارد، همسو و همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان بدین گونه مطرح نمود که طبق دستورات دینی و اسلامی، روابط حسنه و اخلاقی زناشویی، از اولویت‌های زندگی است که بر آن تأکید گردیده است. بر اساس دیدگاه اسلامی، زن و شوهر در ارتباط با یکدیگر، دارای مسئولیت‌هایی هستند که با انجام آنها، روابط بین آنان عمیق‌تر شده و کیفیت زندگی بهتر می‌شود. در کنار آن و بر اساس همین مسئولیت‌ها، بین زن و شوهر و سایر اعضای خانواده، حریم‌هایی وجود دارد که به طور خواسته و یا ناخواسته تعریف گردیده‌اند و این حریم، گاهی اوقات روابط بین آنها را تعیین می‌کند. لذا چنانچه زن و شوهر در زندگی زناشویی، بر اساس قوانین اسلامی، به نیازهای اخلاقی، عاطفی، جنسی و اجتماعی همدیگر توجه و بر انجام آن تعهد داشته باشند، با شکل‌گیری مرزهای زوجینی، زمینه احساس تنهایی آنان نیز می‌تواند برطرف شود و هرکدام از آنان به احساس تنهایی گرفتار نمی‌شوند.

طبق رویکرد اسلامی و دینی نیز زوجین در تمامی مسائل و مشکلات زندگی سهیم هستند و بایستی به هنگام به وجود آمدن مسائل و مشکلات، در کنار یکدیگر باشند و در تلاش برای رفع آن برآیند. کمک به یکدیگر در هنگام بروز مشکل، موجب تقویت روابط عاطفی زن و شوهر شده و از انزوای آنها جلوگیری کرده و از احساس تنهایی آنان می‌کاهد. همچنین بر اساس دیدگاه رفتاری نگر نیز احساس تنهایی، نتیجه ضعف در ارتباط عاطفی و اجتماعی است (Arslan, 2021, p. 22) و احساس تنهایی زوجین زمانی به وجود می‌آید که تماس و رابطه زن و شوهر با یکدیگر کاذب باشد؛ به نحوی که تجربه عاطفی مشترکی برای این رابطه

دوجانبه شکل نگیرد و در فرایند تماس با یکدیگر، ارتباط حقیقی و صمیمانه نداشته باشند.

(Vanhalst, 2012, p. 780)

از نگاهی دیگر، هنگامی که وظایف مربوط به اعضای خانواده مشخص نشده باشد و دیگر بستگان نیز در تصمیمات و رویدادهای زندگی خانوادگی دخالت داشته باشند و مرزبندی زوجینی به ویژه در این زمینه وجود نداشته باشد، به مرور زمان، با دخالت های مکرر دیگران، اعتماد به نفس اعضای خانواده، به خصوص زوجین کاهش می یابد. در نتیجه، رفته رفته نسبت به موضوعات خانوادگی، بی تفاوت شده و حمایتی را از یکدیگر دریافت نمی کنند که این امر موجبات احساس تنهایی را فراهم می کند. در این زمینه، مطالعات صورت گرفته نیز نشان داده اند زمانی که اختلافات زنشویی بیشتر می شود، قدرت تصمیم گیری درست و منطقی اکثر زوجین مختل می گردد و آنها نمی توانند رویدادهای زندگی روزمره را به طور مناسب، ارزیابی نموده و عمل کنند (Kaneez, 2021, p. 39). لذا این نارسایی هیجانی و ارزیابی نادرست از موقعیت ها، موجب سلب روابط اجتماعی عمیق می شود که در درازمدت، خود را با احساس تنهایی نشان می دهد. (Singh & Kiran, 2013, p. 13)

بر اساس یافته دوم، آشفتگی روان شناختی، رابطه مثبتی با احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق داشت. بدین معنی، زمانی که زوجین متقاضی طلاق، نمرات بیشتری را در آشفتگی روان شناختی به دست می آورند، احساس تنهایی آنان نیز بیشتر می شود. این یافته، با نتایج مطالعات حافظی و همکاران (۱۳۹۳)، پالگی و همکاران (۲۰۲۰)، ارزن و چیکریکسی (۲۰۱۸)، دامنج - آبل و همکاران (۲۰۱۷)، ایسوتانی و همکاران (۲۰۱۵)، زاواسکی و همکاران (۲۰۱۳) و آیلز و همکاران (۲۰۱۲) همسو بود. در تبیین این یافته می توان گفت زوجین متقاضی طلاق، با توجه به اینکه درگیر فشار اجتماعی و یا خانوادگی ناشی از گرایش به طلاق قرار دارند، از این رو، استرس و اضطراب بیشتری را متحمل می شوند. در این شرایط، چنانچه حمایت خوبی از طرف خانواده و سایر دوستان صورت نپذیرد، این افراد، احساس تنهایی خواهند کرد و با کناره گیری از روابط اجتماعی، منزوی تر هم خواهند شد. در این رابطه، مطالعات حاکی از آن است که هسته اصلی بیشتر اختلالات عاطفی و روان شناختی، ناشی از احساس

انزوا و تنهایی است؛ زیرا آدمیان موجودات اجتماعی هستند و به پشتیبانی، آرامش و اطمینان خاطری که در همکاری‌ها از جانب دیگران فراهم می‌شود، نیاز دارند. در واقع، احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق باعث می‌شود هنگام مواجهه با مشکلات، همسرشان را در کنار خود نبینند و بدون یار و مددکار بمانند و خود را تنها یافته و احساس ناامنی کنند (Matthews & et al, 2016, p. 345). در این خصوص، مطالعات نشان داده است افرادی که در برقراری و حفظ روابط رضایت‌بخش با دیگران ناتوان هستند و در نتیجه، در برآوردن نیاز تعلق داشتن مشکل دارند، احتمالاً حس محرومیتی را تجربه می‌کنند که خود را با احساس تنهایی نشان می‌دهد و در درازمدت، منجر به افسردگی آنان می‌شود (Erzen & Çikrikci, 2018, p. 430). بر طبق نظریه شناخت‌گرا نیز، زمانی که افراد در شرایط استرس‌زا (مانند زوجین متقاضی طلاق)، دچار سوگیری در پردازش اطلاعات می‌شوند، نسبت به موضوع، نشخوار ذهنی پیدا کرده و دائماً در حال تفکر منفی می‌شوند. این امر به یک دور باطل از احساسات فرد منجر شده و علائم آشفتگی‌های روان‌شناختی نظیر افسردگی ظاهر می‌شود (گنجی، ۱۳۹۲ ص ۹۵). بنابراین، زوجینی که دچار آشفتگی روان‌شناختی شده‌اند، درباره خود، اطلاعات منفی را بیشتر به یاد می‌آورند تا اطلاعات مثبت، و در یادآوری خاطرات اتوبیوگرافیک نیز سوگیری نشان می‌دهند. این افراد، نسبت به افراد سالم، نه تنها تجربه‌های اتوبیوگرافیک مثبت را کمتر به خاطر می‌آورند، بلکه همان تعداد خاطرات مثبتی را که به یاد می‌آورند، خاطرات عمومی‌تر و نه‌چندان دقیق هستند. همچنین این زوجین، سوگیری تفسیری دارند که باعث می‌شود رویدادهای مبهم را منفی یا رویدادهای منفی را، منفی‌تر از آنچه هستند تفسیر کنند. طبق یافته سوم پژوهش، مرزهای زوجینی و آشفتگی روان‌شناختی، به طور همزمان، ۵۰٪ از تغییرات «احساس تنهایی» زوجین متقاضی طلاق را تبیین نمودند. در واقع، زمانی که تمامی متغیرهای پیش‌بین وارد مدل می‌شوند، مرزهای زوجینی، به طور منفی و آشفتگی روان‌شناختی، اثر پیش‌بینی‌کنندگی مثبتی بر احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق داشت. این یافته، در راستای یافته‌های فرضیه اول و دوم، با مطالعات محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۹)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۵)، حافظی و همکاران (۱۳۹۳)، پالگی و

همکاران (۲۰۲۰)، ارزن و چیکریکسی (۲۰۱۸)، دامنچ - آبل و همکاران (۲۰۱۷) و زاواسکی و همکاران (۲۰۱۳) همسو بود. در تبیین این نتایج می‌توان بدین گونه استدلال نمود که در این مطالعه، احساس تنهایی زوجین متقاضی طلاق، ناشی از توجه کمتر به مرزهای زوجینی و تفکیک نقش‌ها و وظایف همسران در ارتباط با یکدیگر و عدم مرزگذاری در بسیاری از مسائل خانوادگی و زناشویی است که موجبات دخالت دیگران و سردی و جدایی آنان را فراهم نموده و با انزوای بیشتر زوجین از همدیگر و عدم توجه به نیازها، که با استرس و اضطراب همراه می‌شود، زمینه آشفته‌گی روانی، به‌ویژه افسردگی آنان نیز فراهم نموده است. با گسترش افسردگی، درازمدت، با ایجاد یک دور معیوب، تنهایی و احساس تنهایی زوجین بیشتر می‌شود. در واقع، عدم درک و توجه به نیازهای واقعی زوجین از همدیگر در درازمدت، موجب فاصله بین آنها گردیده و با طولانی شدن این امر و سردی عاطفی به وجود آمده، زمینه آشفته‌گی روان‌شناختی، به خصوص افسردگی زوجین فراهم شده که منجر به احساس تنهایی بیشتر زوجین متقاضی طلاق می‌شود. بر اساس دیدگاه ساختاری خانواده نیز روابط بین زوجین و اکثر مشکلاتی که در این خصوص به وجود می‌آید، ناشی از عدم تفکیک وظایف و مسئولیت‌هاست (Minuchin, 2002, p. 265) که این مهم، در دیدگاه اسلامی با عنوان مرزهای زوجینی مطرح گردیده است. در واقع، از منظر اسلامی، چنانچه در درازمدت، مسائل مختلفی که در ارتباط با زندگی زناشویی پیش می‌آید، در درون خانواده و با نظر همه اعضای آن از جمله زن و شوهر حل و فصل نشود، این مشکل به سایر حوزه‌ها نیز سرایت کرده و مشکلات عدیده‌ای را برای آنها به وجود خواهد آورد. تلنبار شدن مشکلات و عدم تلاش برای برطرف نمودن آن نیز موجب ایجاد استرس، اضطراب و آشفته‌گی روان‌شناختی بیشتر زوجین می‌شود و توانایی تمرکز فردی و همچنین ارزیابی و درک صحیح مشکل را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به مراجعه زوجین برای طلاق، انگیزه لازم برای برطرف نمودن مشکلات وجود نخواهد داشت و به نوعی هریک از زوجین، به وسیله طلاق، از مشکلات به وجود آمده می‌گریزند. بنابراین، این دور معیوب، مکرراً بر اندک روابط زوجین، تأثیر منفی می‌گذارد و موجب کناره‌گیری بیشتر و احساس تنهایی آنان می‌شود.

به طور کلی، با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش می‌توان با تشکیل کلاس و کارگاه‌های آموزشی و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای شناخت آسیب‌های زوجین متقاضی طلاق و مداخلات زناشویی بر مبنای آموزش مرزهای صحیح زوجین با استفاده از گزاره‌ها و الگوهای دینی و همچنین ارائه درمان‌های مختلف، در راستای کاهش آشفتگی روان‌شناختی، متمر ثمر واقع گردید. از محدودیت‌های عمده این پژوهش اینکه منحصر بودن جامعه آماری به زوجین متقاضی طلاق شهر قم، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و دینی این شهر، روایی بیرونی نتایج پژوهش را محدود نموده و بایستی در تعمیم نتایج احتیاط گردد. همچنین عدم غربالگری بیماری‌های جسمی و روانی زوجین می‌توانست در نوع پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان تأثیر بگذارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی، محدودیت‌های پژوهش حاضر از جمله کنترل وضعیت سلامتی روانی، جسمی و وضعیت زندگی، مد نظر قرار گرفته و برطرف شود.





## فهرست منابع

### الف) فارسی

۱. ابراهیمی، نازیلا؛ حسین فلاح، محمد؛ سامانی، سیامک و وزیری، سعید (۱۳۹۹ش)، «عوامل و زمینه‌های احساس تنهایی زنان (یک مطالعه پدیدارشناسی)»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال ۱۱، ش ۱، ص ۱-۱۵.
۲. ابوالقاسمی، عباس (۱۳۸۵ش)، آزمون‌های روان‌شناختی، اردبیل: انتشارات باغ رضوان.
۳. دلاور، علی (۱۳۹۱ش)، روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و روان‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴. حافظی، فردین؛ پرویزی، فردین و امانی، مهسا (۱۳۹۳ش)، «رابطه بین احساس تنهایی و افسردگی در فرزندان طلاق»، اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران، ص ۱۷-۲۹.
۵. حقیقیان، منصور؛ هاشمیان فر، سید علی و آقابابایی، عزیزالله (۱۳۹۷ش)، «سنخ‌شناسی طلاق و پیامدهای اجتماعی آن (مطالعه موردی: زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی علیه السلام) استان چهارمحال و بختیار»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲، ش ۲۹، ص ۶۵-۹۲.
۶. رحیم نوه سی، شبتم (۱۳۹۵ش)، «مقایسه نارسایی شناختی و کارکردهای اجرایی در زنان متأهل عادی و مطلقه تحت حمایت کمیته امداد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
۷. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، «مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام و مکتب ساخت‌نگر»، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۳۱، ص ۳۴-۵۱.
۸. سراقی، همایون و صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۸ش)، «بازتعریف خانواده بر اساس قرآن و منابع روایی»، پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ش ۲، ص ۶۸-۹۸.
۹. قاسمی، سیمین؛ اعتمادی، عذرا و احمدی، سید احمد (۱۳۹۵ش)، «شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن»، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال پنجم، ش ۳، ص ۲۵۰-۲۶۲.
۱۰. گنجی، مهدی (۱۳۹۲ش)، آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM-5، ترجمه و تالیف: مهدی گنجی، تهران: نشر ساوالان.
۱۱. محمودپور، عبدالباسط؛ شیر، طاهره؛ فرحبخش، کیومرث و ذوالفقاری، شادی (۱۳۹۹ش)، «پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل‌پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)، سال یازدهم، ش ۴۲، ص ۱۲۱-۱۴۱.
۱۲. نادری، فرح و حق‌شناس، فریبا (۱۳۸۸ش)، «رابطه تکانشگری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان»، یافته‌های نو در روان‌شناسی، سال چهارم، ش ۱۲، ص ۱۱۱-۱۲۱.
۱۳. هوشیاری، جعفر (۱۴۰۰ش)، «تبیین مرزهای خانواده بر اساس قرآن کریم و ساخت پرسش‌نامه سنجش آن»، رساله دکتری، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی، قم.
۱۴. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی، محمدمهدی؛ جزایری، سید حمید و تقیان، حسن (۱۳۹۹ش)، «مرزهای درونی خانواده از نگاه روانشناسی و قرآن کریم»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال هشتم، ش ۲، ص ۹-۳۲.

1. Arslan, Gökmen. (2021) "Loneliness, college belongingness, subjective vitality, and psychological adjustment during coronavirus pandemic: Development of the College Belongingness Questionnaire." *Journal of Positive School Psychology* 5, no. 1, pp. 17-31.
2. Aylaz, Rukuye, Ümmühan Aktürk, Behice Erci, Hatice Öztürk, and Hakime Aslan. (2012) "Relationship between depression and loneliness in elderly and examination of influential factors." *Archives of gerontology and geriatrics* 55, no. 3, pp. 548-554.
3. Domènech-Abella, Joan, Elvira Lara, Maria Rubio-Valera, Beatriz Olaya, Maria Victoria Moneta, Laura Alejandra Rico-Urbe, Jose Luis Ayuso-Mateos, Jordi Mundó, and Josep Maria Haro. (2017) "Loneliness and depression in the elderly: the role of social network." *Social psychiatry and psychiatric epidemiology* 52, pp. 381-390.
4. Ebesutani, Chad, Matthew Fierstein, Andres G. Viana, Lindsay Trent, John Young, and Manuel Sprung. (2015) "The role of loneliness in the relationship between anxiety and depression in clinical and school-based youth." *Psychology in the Schools* 52, no. 3, pp. 223-234.
5. Erzen, Evren, and Özkan Çikrikci. (2018) "The effect of loneliness on depression: A meta-analysis." *International Journal of Social Psychiatry* 64, no. 5, pp. 427-435.
6. Garrido-Rojas, Lusmenia, Mónica Guzmán-González, Rodolfo Mendoza-Llanos, Diana Rivera-Ottenberger, and Paula Contreras-Garay. (2021) "Emotional regulation and depression in a sample of separated and divorced Chilean adults." *Current Psychology* 40, pp. 1767-1778.
7. Hallowell, Edward M., and John J. Ratey. (2005) *Delivered from distraction: Getting the most out of life with attention deficit disorder*. Ballantine Books.
8. Kaneez, Salma. (2021) *Divorce and Divorced Women: (Psycho-Social Issues and Concerns)*. KK Publications.
9. Karney, Benjamin R., Jeffrey B. Wenger, Melanie A. Zaber, and Thomas N. Bradbury. (2022) "State minimum wage increases delay marriage and reduce divorce among low-wage households." *Journal of Marriage and Family* 84, no. 4, pp. 1196-1207.
10. Labrague, Leodoro J., Janet Alexis A. De los Santos, and Charlie Falguera. (2021) "Social and emotional loneliness among college students during the COVID-19 pandemic: the predictive role of coping behaviours, social support, and personal resilience".
11. Loh, Huey S., Sanjaya S. Gaur, and Piyush Sharma. (2021) "Demystifying the link between emotional loneliness and brand loyalty: Mediating roles of nostalgia, materialism, and self-brand connections." *Psychology & Marketing* 38, no. 3, pp. 537-552.
12. Matthews, Timothy, Andrea Danese, Jasmin Wertz, Candice L. Odgers, Antony Ambler, Terrie E. Moffitt, and Louise Arseneault. (2016) "Social isolation, loneliness and depression in young adulthood: a behavioural genetic analysis." *Social psychiatry and psychiatric epidemiology* 51, pp. 339-348.
13. Minuchin, Patricia. (2002) "Looking toward the horizon: Present and future in the study of family systems." *Retrospect and prospect in the psychological study of families*, pp. 259-278.
14. Palgi, Yuval, Amit Shrira, Lia Ring, Ehud Bodner, Sharon Avidor, Yoav Bergman, Sara Cohen-Fridel, Shoshi Keisari, and Yaakov Hoffman. (2020) "The loneliness pandemic: Loneliness and other concomitants of depression, anxiety and their comorbidity during the COVID-19 outbreak." *Journal of affective disorders* 275, pp. 109-111.
15. Peplau, Letitia Anne. (2022) "Loneliness." In *Social problems and mental health*, pp. 93-95. Routledge.
16. Qamar, Azher Hameed, and Hafiza Faiza Faizan. (2021) "Reasons, impact, and post-divorce adjustment: Lived experience of divorced women in Pakistan." *Journal of Divorce & Remarriage* 62, no. 5, pp. 349-373.

17. Sbarra, David A., and Mark A. Whisman. (2022) "Divorce, health, and socioeconomic status: An agenda for psychological science." *Current opinion in psychology* 43, pp. 75-78.
18. Singh, Bhawana, and U. V. Kiran. (2013) "Loneliness among elderly women." *International Journal of Humanities and Social Science Invention* 2, no. 2, pp. 10-14.
19. Ugazio, Valeria, and Lisa Fellin. (2016) "Family Semantic Polarities and Positionings: A Semantic Analysis." *Research perspectives in couple therapy: Discursive qualitative methods*, pp.125-148.
20. Van Tilburg, Theo G. (2021) "Social, emotional, and existential loneliness: A test of the multidimensional concept." *The Gerontologist* 61, no. 7, pp. e335-e344.
21. Vanhalst, Janne, Theo A. Klimstra, Koen Luyckx, Ron HJ Scholte, Rutger CME Engels, and Luc Goossens. (2012) "The interplay of loneliness and depressive symptoms across adolescence: Exploring the role of personality traits." *Journal of youth and adolescence* 41, pp. 776-787.
22. Zawadzki, Matthew J., Jennifer E. Graham, and William Gerin. (2013) "Rumination and anxiety mediate the effect of loneliness on depressed mood and sleep quality in college students." *Health Psychology* 32, no. 2, pp. 212.

